

اجتماع اعتراضی کارگران فرانسوی و آلمانی در هانوفر

فریده ثابتی

دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

صبح جمعه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ فریاد " همه باهم، همه باهم" کارگران فرانسوی شهر هانوفر آلمان را به لرزه در آورد. ۱۳۰۰ کارگر کنتینتال با اتوبوس و یک قطار ویژه از فرانسه به هانوفر آمدند تا همراه با کارگران آلمانی کنتینتال و سه نماینده کارگران کنتینتال مکزیک فریاد اعتراض خود علیه بستن کارخانه ها و بیکاری قریب الوقوع شان را به گوش کارفرمایان و سهامداران کنسرن تولید لاستیک که نشست سالانه خود را در هانوفر برگزار می کردند، برسانند.

۱۱ مارس ۲۰۰۹ رئیس کنسرن که مرکز آن در شهر هانوفر آلمان قرار دارد اعلام کرد که این کنسرن قصد بستن دو کارگاه تولید کننده لاستیک اتومبیل و کامیون در اشتوکن هانوفر و کلاریوی فرانسه را دارد. بستن کارگاه تولیدی اشتوکن از سال ۲۰۰۶ مطرح شده بود و کارگران اعتراضات زیادی را سازمان داده بودند که در سال ۲۰۰۷ منجر به توافق اتحادیه IG BCE (معدن، شیمی، غذایی) با مدیریت برای تعویق بستن کارگاه تا سال ۲۰۱۲ شده بود. در حقیقت بستن و بیکار سازی با توافق به تاخیر افتاده بود. بعد از اعلام خبر فوق کارگران فرانسوی به مدت ۵ هفته کوشش کردند تا وقت ملاقاتی با وزیر اقتصاد برای مذاکره در باره آن بگیرند اما به آن ها پاسخی داده نشد. آن ها علیه کنسرن به دادگاه شکایت کردند. اما در ۲۱ آوریل ۲۰۰۹ دادگاه شکایت کارگران را در مورد جلوگیری از بستن کارخانه مردود اعلام کرد و حق را به کارفرما داد. در یک طرف یعنی جانب سرمایه دار، رئیس شرکت در هانوفر از تصمیم دادگاه تشکر کرد و گفت این نشان داد که ما به شیوه قانونی عمل می کنیم. در طرف دیگر، کارگران بعد از آگاهی از حکم دادگاه خشمگین به یک ساختمان اداری کارخانه هجوم بردند و صدها تن از کارمندان را به اتاق ریاست هل دادند و اداره را به هم ریختند و سپس جلوی در کارخانه را سد کردند و لاستیکی را به آتش کشیدند. اما این بار بدون ۵ هفته انتظار جناب نخست وزیر فیلون بلافاصله حرکت کارگران را محکوم کرد و گفت تخریب یک اداره قابل پذیرش نیست و از نظر قانونی تعقیب خواهد شد. اما نگفت چرا تخریب زندگی ۱۲۰۰ کارگر و خانواده آن ها قابل پذیرش است و چرا تعقیب قانونی نخواهد شد. هم چنین در موردی دیگر وقتی رئیس کارخانه برای صحبت با کارگران به پشت میز سخنرانی آمد با پرتاب اشیاء مختلف از طرف کارگران به طرف خود مواجه شد به طوری که فرار را برقرار ترجیح داد و در حالی که خم شده می دوید سریع سالن را ترک گفت.

ساعت ۸ صبح همراه کارگران فرانسوی که با اتوبوس آمده بودند و از فریاد و صدای صوتشان ترمینال اصلی قطار شهر هانور می لرزید در انتظار بقیه کارگران بودیم که با قطار می آمدند. صدا به صدا نمی رسید و هرچه می خواستم بپرسم که چرا به جای صوت زدن خواسته های خود را بیان نمی کنند و چرا فریاد نمی زنند و مشت خود را به علامت مبارزه نشان نمی دهند صدایم به جایی نمی رسید. کارگران آلمانی که به استقبال کارگران فرانسوی آمده بودند نظاره گر بودند. گاه فریاد «همه باهم» فرانسوی ها و پاسخ همبستگی می آمد که یکباره شوری ایجاد می کرد.

اعلامیه های مختلفی به دو زبان پخش می شد. اما هیچ کدام از اتحادیه های دیگر اعلام همبستگی نکرده بودند جز اتحادیه آنارشیستی که هیات نمایندگان را از فرانسه و از هانوفر فرستاده بود. حزب چپ آلمان نیز اعلام همبستگی کرده بود. پلیس در لباس های مختلف و با مترجمان بسیار همه را زیر نظر داشت. آن ها نیز از ترس سرایت جرات کارگران فرانسوی به کارگران آلمانی اعلامیه ای را خطاب به کارگران فرانسوی و سایرین تهیه و در جمع پخش می کردند. در این اعلامیه حقوق انجام تظاهرات در آلمان ذکر شده و خطاب به کارگران فرانسوی آمده بود که "اصلاً فکر نکنید که در فرانسه و در خانه خود هستید و هرکاری بخواهید می توانید بکنید!" آن ها از قبل با اتحادیه وارد مذاکره شده و برای نوع برگزاری راه پیمایی و تظاهرات به توافق رسیده بودند و در اعلامیه نیز آمده بود که ما با اتحادیه روی مواردی به توافق رسیده ایم و مسئولیت درست برگزار شدن تظاهرات با اتحادیه است و آن ها باید پاسخگو باشند و پلیس در صورت عدم رعایت موارد توافق حق دستگیری دارد. سخنگوی اتحادیه شیمی نیز گفت که ما با توجه به حضور کارگران فرانسوی همه تمهیدات لازم را به کار گرفته ایم که واقعه ای رخ ندهد. پلیس و روزنامه ها از قبل سعی کردند در مورد "فرانسویان غیرقابل کنترل" ترس ایجاد کنند و افکار عمومی را علیه آنان تحریک نمایند.

ساعت نه قطار حامل کارگران از فرانسه با اسکورت پلیس فرانسوی برای همبستگی با برادران و خواهران پلیس آلمانی خود! و در میان غریو شادی استقبال کنندگان به ایستگاه رسید. این شاید لحظه ای تاریخی در سرنوشت همبستگی کارگری بین المللی بود و چه خوب می شد که اگر این همبستگی نه فقط در مورد درد مشترک بیکاری بلکه علیه درد مشترک بردگی سرمایه صورت می گرفت. مشت های گره کرده کارگران تازه از راه رسیده از بالای پله ها نمادی از مبارزه کارگری زنده علیه سرمایه بود. آن ها با شور و شوق کارگران آلمانی را در آغوش می کشیدند و این طرفی ها غافلگیر شده بودند. ساعت ۹:۳۰ دقیقه جمعیت به طرف ساختمان کنگره ایالت نیدرساکسن که نشست سالانه سهامداران در آن برگزار می شد به حرکت در آمد. اکثر کارگران فرانسوی کاپشن سیاه رنگی با آرم کنتیننتال به تن داشتند و شعارهایی را نیز به زبان فرانسه به آن چسبانده بودند و آرام و قرار نداشتند. آن ها در صف جلو و عده ای نیز در میان سایر گروه های راه پیمای حرکت می کردند. آن ها به فرانسه شعار می دادند و تنها کلمه سولیداریته یا همبستگی برایم آشنا بود و در صوت های خود نیز می دمیدند. از این طرف نیز هراز گاهی شعار همبستگی داده می شد. اما بیشتر به جای زبان طبق معمول از صوت استفاده می کردند که به نظرم مسئولیتی ایجاد نمی کرد. تعداد کمی نیز پلاکارد در دست ها دیده می شد و یا به گردن ها آویخته شده بود. روی یکی نوشته شده بود "ما متحد هستیم، در خشمی همسان". در میان جمعیت به دنبال نشانی از اعلام همبستگی کارگران سایر بخش ها بودم اما جز شمار کمی نشانی از پرچم اتحادیه متال یا اتحادیه خدمات وردی ندیدم، در حالی که معمولاً، مثلاً در روز اول ماه مه، فضا پوشیده از پرچم های آن هاست. البته زیاد هم باعث تعجب نیست. آنجا بوی سوسیس و آبجو می آید اما این جا بوی مبارزه، بویی که مشام اتحادیه ها را می آزارد!!

بعد از یک ساعت راه پیمایی به جلوی ساختمان کنگره رسیدیم. تریبونی تهیه شده بود و هم چیزها از قبل آماده شده بود. و روسا و سهامداران در پشت درهای بسته کنگره برای سرنوشت کارگران تصمیم می گرفتند و کارگران آمده بودند که بگویند ما زنده ایم و برای حقوق خود و شاید در شرایطی دیگر برای امحای حقوق شما می جنگیم.

ابتدا نمایندگانی از اتحادیه های IG BCE آلمان و GCT و FO فرانسه سخنرانی کردند. تنها حضور نماینده FO با ابزار احساسات شدید کارگران فرانسوی مواجه شد. وقتی که نماینده اتحادیه آلمان خطاب به سهامداران با توجه به شرایط بحران با تاکید گفت که " اکنون کارکنان کنتیننتال و روسا در یک قایق نشسته اند" این گفته مایه تعجب کارگران فرانسوی شد و به مذاقشان خوش نیامد. حق هم داشتند. چگونه می شود مساله را این گونه دید؟ این تنها بیانگر دید کسانی است که خود با سرمایه داران حشر و نشر دارند و هم نشین و هم کاسه اند نه کارگران که از طلوع خورشید تا پایان ساعات کار دوشیده می شوند و خسته و وامانده روانه خانه می شوند، و در توفان نیز قایقی برای نجات ندارند جز آن که بر موج توفان سوار شوند و خود توفان به پا کنند. صدای اعتراض کارگران با دویدن نیروهای پلیس به سمت کنگره و سد بستن جلوی راه ورودی به کنگره همراهی شد. در حالی که به پلیس ها نگاه می کردم دوباره به یاد رمان الیویه لتام و آن شب های دردناک همراه با قصه گویی افتادم و زیر لب تکرار کردم آیا این کله های کوچک می توانند فکر کنند.

بعد از پایان سخنرانی ها نوبت به گروه جاز آلترناتیو رسید تا با موزیک و ترانه های اعتراضی خود فضا را باز هم اعتراضی تر کند. اما در همین زمان اتحادیه متحد DGB که مادر اتحادیه های آلمان است و طبق معمول به جای رهنمود برای مبارزه، کارگران را دعوت به خوردن کباب و آبجو می کند بساط خود را پهن کرد و با کشاندن کارگران به سوی خود فضا را ملایم کرد و این نیز برای کارگران فرانسوی باعث تعجب شد. مسلما می بایستی برای نهار شرکت کنندگان در تظاهرات تدارک دیده می شد اما در زمان مناسب.

در کنگره، توماس نویمن، رئیس کنتیننتال توضیح داد که " با توجه به بازار اسفناک لاستیک برای ما راهی به جز بستن کارخانه ها وجود ندارد. دائما به میزان کالایی که بیش از نیاز است افزوده می شود. باید به کاهش ساعات کار بیشتری فکر کنیم". کاملا قابل قبول است که تولید بیش از نیاز وجود داشته باشد. زیرا میانگین ۳۸ ساعت کار با بارآوری کار ماشین و نیروی کار امروز چندین برابر حتی ۵ سال قبل تولید به بار می آورد و کارگران را نیز بیش از پیش فرسوده می کند. با توجه به این شرایط باید ساعات کار به طور کلی و بدون کاهش دستمزد به ۳۵ ساعت و حتی کمتر کاهش یابد. کنسرن مدعی وجود ۲۰ میلیارد یورو بدهکاری است. اما این بدهکاری ربطی به کارگران ندارد و به خرید شرکت VDO توسط کونتیننتال و خرید سهام بیشتر کونتیننتال توسط خام شافلر سهامدار بزرگ کنسرن برمی گردد. باید ذکر کرد که در دو سال گذشته گرچه کمتر از سال های پیشین اما هر سال نزدیک به ۱/۸ میلیارد سود از کار کارگران نصیب کنسرن شده است. پس مساله، عدم سودآوری نیست بلکه انتقال کارخانه به کشورهای جنوب و غارت نیروی انسانی بسیار ارزان است و شاید هم گشایشی برای گرفتن کمک های دولتی. هم چنین اعلام شد که یک گروه سرمایه گذاری از دومی پیشنهاد خرید این کارخانه ها را داده است که در دست بررسی است. من موقع بازگشت کارگران فرانسوی حضور نداشتم. اما خواندم که پلیس با کمک همکاران فرانسوی خود تمام کوشش خود را برای فرستادن هرچه سریع تر کارگران به درون قطار و جدا کردن آن ها از دیگران به کار برده است، غافل از این که قول و قرارها و آدرس دادن ها برای تماس و همکاری پیش از آن رد و بدل شده بود. بدین سان آرامش به جزیره سکون بازگشت.

در شب جمعه ۲۴ آوریل نیز در یک جلسه دیگر کارگران کنتیننتال مکزیکی حضور یافتند و به پرسش های حاضران

راجع به شرایط آن جا توضیح دادند. انریکو گومز نویسنده کتاب یک روز بیشتر از کنتیننتال و کارگر کارخانه لاستیک اوزکادی توضیح داد که کار به خوبی پیش می رود و اتحادیه انقلابی آن ها و همه کارگران باهم کارها را سامان می دهند. در مورد خرید مواد اولیه با کنسرن های بزرگ که فروش و قیمت را کنترل می کنند، مشکل داشتند و بدین سبب تولیدشان در ماه های ژانویه و فوریه پایین آمده بود. اما با کمک شریک آمریکایی که با قبول شرایط تعاونی بودن کارخانه اوزکادی شراکت کرده بود مشکل حل شده و اکنون طبق معمول تولید به ۸۵۰۰ حلقه لاستیک رسیده است. او اتحادیه های آلمان را مورد انتقاد قرار داد و گفت در اتحادیه ما همه کارگرند و در کارخانه حضور دارند اما اینجا کارمند اداره نشین هستند و تماسی با کارگران ندارند و نمی دانند کارگران چه می خواهند و چه می کنند. گفت می خواسته در این جا مستقیما با کارگران رابطه بگیرد اما امکان این کار را نیافته است. انریکو افزود بحران شدید است و در مورد همبستگی بین المللی کارگری امیدی به اتحادیه های موجود نیست. او پیشنهاد کرد کارگران خود را از بوروکراسی اتحادیه رها سازند و خود مستقلا وارد عمل شوند. وی گفت کارگران نیازی به بوروکراسی ندارند.

دو کارگر عضو اتحادیه نیز از کارخانه لاستیک سازی سن لونیس پوتوسی آمده بودند. فدریکو توضیح داد که در سپتامبر سال گذشته دستمزدهایشان به بهانه بحران ۲۰٪ کاهش یافت. البته کنسرن خواهان کاهش ۵۰٪ دستمزدها بود. و تغییراتی در شرایط قرارداد دسته جمعی کار داده شد. با آن که کارفرما قول داد که تا سال ۲۰۱۵ دیگر کاهشی رخ نخواهد داد اما هنوز ۶ ماه نگذشته بود که قول خود را زیر پا گذاشت. در فوریه ۲۰۰۹ کنتیننتال اعلام کرد که بدون کاهش مجدد دستمزدها نمی تواند به ادامه کار کارخانه اجازه دهد و ۵٪ کاهش مجدد را پیشنهاد کرد. با تلفن کارگران را تهدید کردند که اگر شرایط را نپذیرند و مبارزه کنند یا آن ها را اخراج خواهند کرد یا اصلا در کارخانه را خواهند بست و همه را بیکار خواهند ساخت. در همین جلسه تلفنی به فدریکو اطلاع داده شد که امروز چک های حقوقی کارگران با ۵ درصد کاهش به آن ها ارائه شد و کارگران در یک تصمیم جمعی از پذیرش چک ها خودداری کرده و اعلام کرده اند که برای حقوق خود مبارزه خواهند کرد. او در مورد درس گیری از تجربه کارگران اوزکادی گفت ما با آن ها در تماس هستیم و اگر در شرایط مناسب قرار بگیریم آرناتیو آن ها را به کار خواهیم گرفت و ادامه داد که کارگران می خواهند مبارزه کنند. کنتیننتال اگر می خواهد بماند باید به خواست ما توجه کند.

فریده ثابتی

۲۶ آوریل ۲۰۰۹

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com